

"باغ هستی"

الگوی ایرانی، برای طراحی یک فضای شهری

دکتر محمد نقی زاده*

استادیار دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۸/۷، تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۷/۱۱)

چکیده

در مطالعه و طراحی فضاهای سبز عمومی شهری، توجه به موضوعاتی چون فرهنگ، سابقه تاریخی، هویت، زیبایی و شرایط محیطی از چنان اهمیتی برخوردار هستند که غفلت از هر کدام سبب می‌شود تا کلیت طرح، به عنوان فضایی مطلوب و با هویت و اصیل و کارآمد برای جامعه‌ای با فرهنگ خاص (برای هر یک از این مفاهیم معنای ویژه خود را قائل است) مخدوش شود. با عنایت به اهمیت موضوع، در این فرصت سعی بر آن خواهد بود تا با توجه به مبانی معنوی فرهنگ ایرانی، و با بهره گرفتن از تجارب غنی این فرهنگ و تمدن، مبانی کلی، برای طراحی یک فضای سبز شهری، (تحت عنوان "باغ هستی") ارائه شود. این طرح کلی با استفاده از نظر فرهنگ ایرانی در مورد "هستی" (و بویژه مراحل حیات و هستی انسان) ارائه شده است و طی آن مراتب "هستی" یا مراتب زندگی انسان به شکلی نمادین در آن به نمایش درآمده است. موضوعات مورد نظر نیز با عناوین زیر مورد بحث و مطالعه قرار خواهند گرفت: مقدمه و کلیات، اجمالی از مراحل هستی، هندسه کلی "باغ هستی"، حریم "باغ هستی"، ورودی "باغ هستی"، محدوده دوم یا هسته اصلی "باغ هستی"، محدوده سوم "باغ هستی"، کاربری‌های قلمروهای مختلف "باغ هستی"، اصول و مبانی نمادها، نکاتی در باب مدیریت "باغ هستی" و نتیجه‌گیری.

کلیدواژه

باغ، فضای شهری، هستی، تعالیم اسلام، فرهنگ ایرانی

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵- فرهنگ هر ملت، واجد دو ساحت و قلمرو اصلی است که یکی وجه فکری و ذهنی و به عبارتی وجه فلسفی آن است و دیگری وجه عینی و ظاهری آن است. وجه فکری فرهنگ ایرانی که ریشه در یگانه‌پرستی ایرانیان دارد، با تعالیم و حیانی اسلام تغذیه شده و بیانگر ارزش‌های الهی و معنوی و انسانی غیرقابل شمارشی است. مهمترین اصل و ارزش این وجه از فرهنگ ایرانی، آن است که هر چیزی را واجد معنا می‌داند که در خلق آثار هنری، یا هر نوع اثر دیگری، از آن به سیر از خاک و ماده و دنیا به آسمان و معنا و آخرت و ماوراءالطبیعه تعبیر می‌شود، یا به عبارت ساده، می‌توان از آن به سیر از "ماده و ترکیب" به "معنا و تجرد" تعبیر کرد (نقی زاده، ۱۳۸۴ الف و ۱۳۸۴ ب). و همین اصل است که در قلمرو معنوی، برای ارائه طرح باغ در فرهنگ ایرانی اخذ شده است. آثار عینی فرهنگ‌ها نیز که عموماً در هنرها و سایر آثار صاحبان هر فرهنگی ظاهر می‌شود غالباً نمایش‌دهنده و مبین همان ارزش‌های مطرح در وجه فکری‌اند، که با زبان ماده توضیح شده و تجلی عینی یافته‌اند. علاوه بر آن، آثار عینی فرهنگ‌ها مشتمل بر رفتارها و آداب و سنن و فضاهای زندگی و فعالیت و روش‌های زیست نیز می‌شوند. در این مجال باغ به عنوان یکی از مهمترین آثار عینی فرهنگ ایرانی انتخاب شده و سایر موضوعات مرتبط و معرف این قلمرو، از قبیل هندسه (تصاویر ۱ و ۲ و ۳)، عناصر طبیعی خاص، فرم‌ها، اشکال، رفتارها، نمادها، فضاها و عملکردها به عنوان ابزاری برای ایجاد اثر عینی و یادآور ارزش‌های وجه فکری برگزیده شده‌اند، که در طول تشریح طرح، به تناسب به آنها اشاره خواهد شد.



تصویر شماره (۲): طرح کلی باغ فین (کاشان)،

(خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳)



تصویر شماره (۳): طرح کلی باغ گلشن (طیلس)،

(خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳)

دور است سرآب ازین بادیه، هشدار

تا غول بیابان، نضربید به سرابت

سرآغاز

تذکر و یادآوری چند نکته می‌تواند به عنوان علت انتخاب موضوع، ضرورت طرح آن، هدف ارائه طرح، تبیین‌کننده روش کار، و از همه مهمتر به عنوان فراهم‌آورنده زمینه تفاهم در مورد وضوح و معرفی مبانی طرح و موجد ادامه بحث ایفای نقش کند.

الف- وقتی از باغ ایرانی سخن به میان می‌آید، معمولاً باغ‌های تاریخی و در قریب به اتفاق موارد باغ‌ها یا محوطه‌های باز کاخها و قصرها و مقابر یا تفرجگاه‌های امرا و سلاطین مد نظر قرار می‌گیرند.

ب- طرح‌ها و طراحی آنچه که امروزه به عنوان پارک، بوستان و فضای سبز شهری و باغهای عمومی و به عنوان مکان‌های مراجعه و تفرج مردم، در شهرها و مجتمع‌های زیستی احداث می‌شوند، بیش از آن که با باغهای ایرانی (حتی) به معنای مصطلح آن قرابت داشته باشند، تقلیدی از باغهای غربی‌اند.

ج- معمولاً در طول تاریخ، اصل بر این بوده است که مصلحان و حکما و بخصوص رسولان الهی علیهم‌السلام در ارائه موضوعات و علوم و معجزات حد اعلا و مافوق آنچه را که در زمانشان وجود داشته و به عبارتی بومی‌ترین و در عین حال، عالی‌ترین نسخه علم زمان را ارائه می‌کرده‌اند. بنابراین به تأسی از بزرگان تاریخ وقتی قرار است در این دوران الگویی یا نسخه‌ای ایرانی از موضوعی ارائه شود که بار ارزشی فرهنگ ایرانی را دارا بوده و بتواند به عنوان عامل هویت ایرانی ایفای نقش کند، آن موضوع باید سرآمد مشابه‌های خویش باشد^(۱) به این ترتیب وقتی که قرار باشد از باغ ایرانی در دوران معاصر سخن بگوییم، اصلح آن است که باغی طراحی و ساخته شود که: ضمن آنکه از فرهنگ ایرانی ملهم باشد، کالبد آن یادآور ارزش‌های فرهنگ ایرانی باشد، تجارب سایر تمدن‌ها را به صورت بومی شده به کار گرفته باشد، بتواند القاکننده و یادآور ارزش‌های فرهنگی باشد، بتواند به نیازهای زمان پاسخ گوید، و همچنین مجموعه آن هویتی ایرانی داشته و به عنوان الگویی مستقل ایفای نقش کند.



تصویر شماره (۱): سیمای عمومی باغ سازده (ماهان)،

(خوانساری و دیگران، ۱۳۸۳)

اجمالی از مراحل هستی

با توجه به اینکه غرض اصلی از ارائه و طرح این موضوع، تجلی کالبدی بخشیدن به مراحل اصلی "هستی" (یا به عبارت بهتر مراتب و مدارج حیات انسان) در یک باغ ایرانی است، بی‌مناسبت نیست تا به برخی مراحل اصلی هستی و زندگی انسان در فرهنگ ایرانی اشاره شود (نمودار شماره ۱):

* عالم وجود قبل از خلق انسان^(۱) وجود داشته است، و اینک نیز انسان در محدوده خاصی از جهان هستی (در کره زمین) زندگی می‌کند.
* انسان تحت شرایطی در زمان و مکانی خاص، بدون آنکه خود (با اختیار) تصمیم بگیرد، پس از گذشتن از عالم ذر و اصلاص و ارحام پیشینیان، وارد این دنیای خاکی و جسمانی می‌شود و زندگی دنیایی خود را آغاز می‌کند. انسان، پس از طی دوره زندگی یا عمر خود، در موعدی خاص و مکانی مشخص که از آن آگاه نیست، و به طور طبیعی، اختیاری در انتخاب موعد و مکان آن ندارد، از این دنیا خارج و به عالم برزخ وارد خواهد شد. به این ترتیب ابتدای زندگی (برای همه افراد) لحظه تولد یا ورود به دنیا، و انتهای آن، موقع مرگ یا زمان خروج از دنیا و ورود به عالم برزخ است.

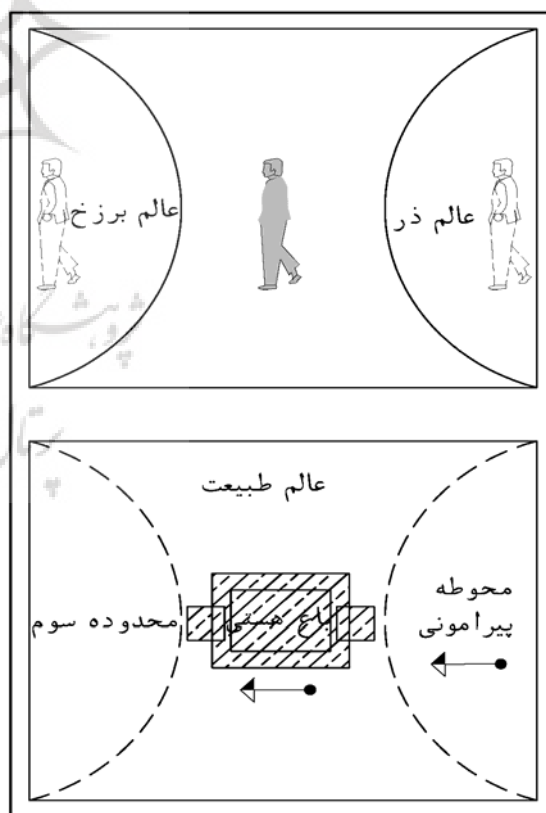
* زندگی دنیایی انسان دارای دو ساحت اصلی معنوی و مادی است، که البته انتخاب تمرکز بر هر کدام، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به هر یک از آنها، توجّه متعادل به هر دو ساحت، و بهره‌گیری از یکی به‌منظور تمرکز بر دیگری و تقویت آن، توسط انسان قابل انتخاب شدن است. به این ترتیب که انسان با انتخاب خود می‌تواند بر زندگی مادی یا ساحت معنوی حیات متمرکز باشد، می‌تواند یکی از آنها را اصل قرار دهد، می‌تواند به هر دو ساحت حیات خود به صورتی متعادل توجّه کند، می‌تواند یکی از آنها (برای مثال زندگی فیزیولوژیکی) را زمینه رشد دیگری قرار دهد، و قس علی‌هذا.
* برخی ویژگی‌های این دنیا از نظر مبانی فکری اسلام که بنیان فرهنگ ایرانی است عبارتند از این که: وجه مادی دنیا ابزار است و نه هدف (طه: ۱۳۱)، دنیا محل امتحان است (عنکبوت: ۲)، زندگی دنیا [بدون معنویت] بازی و سرگرمی است (عنکبوت: ۲۴ و حدید: ۲۰)، باید مراقب بود تا دنیا انسان را مغرور نکند (فاطر: ۵) و فریب ندهد و از آخرت غافل نکند (روم: ۷ و لقمان: ۳۳)، باید از دنیا برای وصول به لقای الهی بهره گرفت (آل عمران: ۱۴۵)، باید مراقب بود تا متاع دنیا (ماده) جایگزین آخرت (معنا) نشود (زخرف: ۳۵)، باید هشیار بود که تمرکز بر دنیا نه تنها انسان را از آخرت بی‌نصیب می‌کند (بقره: ۲۰۰) که فراتر از آن سبب عذاب الهی می‌شود (نحل: ۷-۱۰۶)، باید توجّه داشت که دنیا زینت^(۲) و تفاخر است و نباید آخرت را به دنیا فروخت (بقره: ۸۶ و کهف: ۱۰۴)، باید توجّه کرد انسان به عمران و آباد کردن زمین گماشته شده است (هود: ۶۱)، در زندگی باید اصولی همچون احتراز از فساد و لغو و بطالت و اسراف و تبذیر و ظلم را مدنظر قرار دهد (بقره: ۱۱، اعراف: ۵۶، ص: ۲۷، شعراء: ۱۵۱، انعام: ۱۴۱ و هود: ۱۱۶)، در عین حال باید اصولی همچون عدالت و اصلاح و عمران و حدّ و اندازه و زیبایی و خیر را ملاک عمل و میزان و معیار و مبنای همه فعالیت‌های خود قرار دهد (هود: ۶۱، ملک: ۳-۴، حجر: ۱۹، فرقان: ۲، سجده: ۷ و تغابن: ۳)، و مهمترین نکته این که، تمرکز توجّه به دنیا زمینه‌ساز (و فراتر از آن مترادف با) غفلت است (نحل: ۱۰۸).

* برای مدتی که طول آن را خدا می‌داند (و بر انسان پوشیده است)، انسان باید در عالم برزخ بماند تا نفخه صور دمیده شود و او به همراه همه آدمیان در قیامت محشور شود.

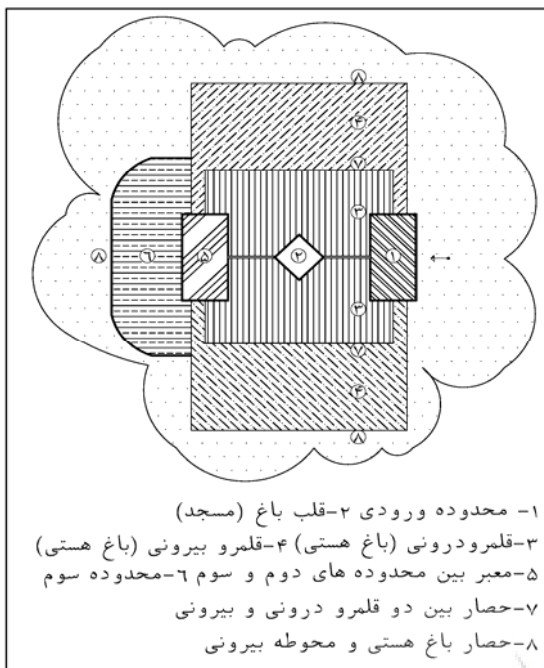
هندسه کلی "باغ هستی"

با توجّه به آنچه گذشت، به منظور نشان دادن تمثیلی زندگی انسان و همچنین نمایش ارزش‌ها و ضد ارزش‌های فرهنگ ایرانی، "باغ هستی" به عنوان فضایی عمومی در شهر پیشنهاد می‌شود که مختصات آن متعاقباً ذکر خواهند شد^(۳).

"باغ هستی" به مثابه دنیای انسان (فرد)، در میان عالم هستی قرار



نمودار شماره (۱): مراحل حیات و جایگاه نمادین "باغ هستی" در این مراحل



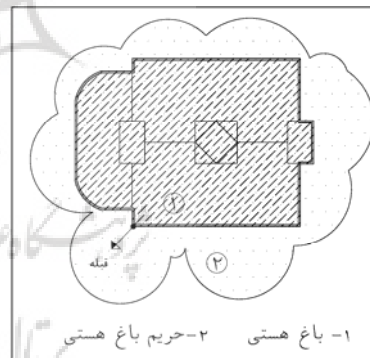
نمودار شماره (۳): قلمروهای مختلف باغ هستی و محیط پیرامونی

۳- محدوده سوم، نماد عالم برزخ و دنیای پس از مرگ است، که در راستای ورودی باغ و در منتهی‌الیه آن قرار دارد و با فضای ارتباطی به نسبت باریک به محدوده دوم متصل است.
 به این ترتیب سه محدوده "باغ هستی" در امتداد یکدیگر قرار دارند که ویژگی‌های هندسی و کالبدی و نمادین آنها به شرح نمودار شماره (۳) قابل خلاصه‌اند.

حریم "باغ هستی"

مقصود از حریم "باغ هستی" نواری به عرض تقریبی ۴۰ متر در پیرامون باغ است که به طور معمول در محوطه مقابل ورودی باغ، باید عریض‌تر باشد. این حریم واجد محوطه‌سازی خاصی است که ملهم از هندسه داخل باغ و سایر باغهایی است که به باغ ایرانی معروف‌اند. شرایط خاص این محوطه‌سازی آن است که اولاً فاقد درختان انبوه و مرتفعی است که مقابل دید را سد کنند و مانع مشاهده دیوار باغ باشند. ثانیاً محل‌های نشستن و نظاره دیوار "باغ هستی" در آن فراهم است. دیوار "باغ هستی" نیز در عین سادگی و استفاده از رنگ‌های محدود و مصالح بومی، به صورت نمایشگاهی از انواع هنرهای ایرانی (خطاطی، مینیاتور، آجرکاری، و سایر هنرها و بویژه هنرهایی که در معماری کاربرد دارند) ظاهر می‌شود. نکته مهم آن است که مضمون کلی و عمومی آنچه روی حصار باغ منعکس است در مورد ساحت‌های حیات، انواع نگرش به زندگی و دنیا، دنیا و ویژگی‌ها و امکانات مثبت و منفی آن، تاریخ بشریت، و اسطوره‌های ایرانی خواهد بود.

دارد که هندسه کلی آن متشکل از قلمروها و ساحت‌های متعددی است که هر یک واجد ویژگی‌های کالبدی خاص و متمایزی‌اند و این ویژگی‌ها از طریق نمادپردازی معرفی خواهند شد. "باغ هستی" (چنانچه ذکر شد و وصف آن خواهد آمد) ضمن آن که، نمادی از دنیاست، دنیای یک نفر نیز هست که می‌تواند بر هر ساحتی متمرکز باشد. به این ترتیب همان گونه که دنیای انسان یا کره خاکی در عالم وجود و در میان کاینات جایگاه ویژه و محدود خود را دارد، "باغ هستی" نیز به طور معمول باید کاملاً محدود و تعریف شده باشد و در داخل فضایی وسیع (ترجیحاً فضای سبزی وسیع چون یک جنگل طبیعی یا مصنوعی) که به مثابه دنیای قبل از این دنیا (عالم کبیر) ایفای نقش می‌کند قرار گیرد (نمودار شماره ۲). به این ترتیب "باغ هستی" با هر وسعتی که داشته باشد، همچون جسم و جان یک فرد، باغ کاملاً محصور است که دسترسی به داخل آن فقط از طریق یک دروازه اصلی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر همه بازدیدکنندگان از "باغ هستی"، باید از یک دروازه‌های واحد وارد باغ شوند. کل باغ با دیوارهای مرتفعی از پیرامون خود جدا می‌شود، و ارتفاع حصار آن به اندازه‌ای است که داخل باغ (حتی از فراز درختان بیرون باغ و یا از بالای ساختمان‌های احتمالی اطراف آن، که البته احداث این گونه ساختمان‌های مرتفع در نزدیکی باغ توصیه نمی‌شود) قابل مشاهده نیست. شکل هوایی باغ متشکل از سه محدوده قابل تمیز از یکدیگر است:



نمودار شماره (۲): جایگاه "باغ هستی" در محیط پیرامونی

۱- محدوده ورودی باغ (مدخل ورود به دنیا) که وسعت آن به تناسب امکاناتی است که باید در محدوده ورودی مستقر بوده و بتوانند بازدیدکنندگان را به طریق مناسب به داخل باغ هدایت کنند.
 ۲- محدوده دوم یا هسته اصلی باغ (نماد دنیای خاکی و زندگی جسمانی) که خود متشکل از دو قلمرو متداخل و متحدالمرکز است. این دو قلمرو، قلمروهای زندگی جسمانی و زندگی معنوی‌اند، و حد این دو قلمرو متداخل نیز دیوار مرتفعی است. ورود به این قلمروها، به طور جداگانه از محدوده ورودی باغ انجام می‌شود.

ورودی "باغ هستی"

محدوده ورودی باغ عبارت از ساختمانی است که با سلسله‌مراتبی بسیار متقن و مستحکم ارتباط خارج و داخل را، بدون امکان نفوذ دید، ممکن می‌کند. تشکیلات اداری و مدیریتی باغ با ویژگی‌های خاص خود، در همین قلمرو قرار دارند. با عنایت به اهمیت آداب و شرایط ورود به باغ و رفتار در آن، ویژگی‌های بسیاری از موضوعات مرتبط با عنوان "ویژگی‌های مدیریت اجرایی باغ" در صفحات آتی ذکر می‌شود و به این ترتیب برخی نکات مبهم در مورد ویژگی‌های باغ و قلمروهای آن نیز در آن موضع، روشن‌تر خواهد شد. در این مجال فقط به ذکر این نکته بسنده می‌شود که ساختمان ورودی باغ ساختمانی مربع (یا مستطیل) شکل است که جز دروازه اصلی، راهی به خارج ندارد، ولی می‌تواند پنجره‌هایی به داخل "باغ هستی" داشته باشد. این محدوده، محل ارائه اطلاعات و راهنمایی‌های لازم به بازدیدکنندگان و همچنین دو ورودی مجزا به طرف دو قلمرو مربوط به محدوده دوم یا هسته اصلی باغ است که بازدیدکنندگان می‌توانند با توجه به سلیقه خود و بنا به برنامه‌ریزی قبلی (در بدو ورود) یکی از آنها را برای بازدید انتخاب کنند.

محدوده دوم یا هسته اصلی "باغ هستی"

این محدوده به عنوان نماد زندگی دنیایی انسان متشکل از دو حلقه متداخل به عنوان قلمروها، یا ساخت‌های اصلی حیات انسان است، که اولی یا حلقه خارجی نماد دنیای مادی و یا زندگی جسمانی صرف است، و حلقه درونی نماد معنویت یا وجه معنوی و روحانی زندگی (به همراه وجه مادی حیات در حد مورد نیاز برای بقا و تداوم زندگی) است. در تفکر دینی و از جمله در تفکر ایرانیان مسلمان، دنیا موجودی واحد و مخلوق خداست که بنا به شیوه نگرش انسان به آن، نقش‌ها و جلوه‌های متفاوتی از آن به منصفه ظهور می‌رسد. ورود به باغ (به عنوان نماد دنیا) از طریق فضای ورودی انجام می‌شود. با گذر از فضای ورودی، ناظر می‌تواند یکی از دو قلمرو را برای بازدید انتخاب کند که بازدید از هر یک از این قلمروها آداب و شرایط خاص خود را دارد. هر قلمرو جلوه و نمادی از نوعی نگرش خاص به هستی است. در ذیل برخی ویژگی‌های عمده هر دو قلمرو معرفی می‌شوند:

قلمرو بیرونی (نماد زندگی جسمانی)

قلمرو بیرونی که محیط بر فضای درونی و محصور بین دو دیوار رفیع^(۵) است، نماد یا حاصل نگرش مادی و فیزیکی به دنیا، یا قلمرو تمرکز بر وجه مادی حیات و زندگی است. این قلمرو نماد یا حاصل نگرش مادی و فیزیکی به دنیاست. این فضا حاصل و نماد تمرکز بر حیات نباتی یا حیوانی است، حاصل تمرکز بر غرایز و کسب لذات مادی و غرقه‌شدن در شهوات و هواهای نفسانی است، و خلاصه اینکه نمایش در بند شیطان بودن انسان

است. البته توجه به این نکته توصیه می‌شود که مردم به تناسب باورها و نیازهای خود از مزایای دنیوی و فیزیکی استفاده می‌کنند، و در واقع قلمروهای مادی و معنوی نزد افراد مختلف با شدت و ضعف‌های متفاوت در هم ادغام و همراه هم هستند. اما در این باغ که اساس آن بر نمادگرایی استوار است، طرفین (یا دو قطب) عالی و پایین این طیف را مد نظر دارد و به این ترتیب در قلمرو مادی کمتر سخن از معنویت به میان می‌آید و بالعکس سعی بر آن خواهد بود تا در قلمرو معنوی نیز به جلوه‌های مادی کمتر توجه شود، تا به این ترتیب اذهان متوجه نتایج تمرکز بر یکی از ساحت‌ها در عین غفلت از ساحت دیگر بشوند، و در واقع انسان‌ها به رعایت تعادل دعوت شوند. در حقیقت قصد آن است تا حقایقی به بازدیدکنندگان القا شود که اگر هر دو ساحت زندگی در هم تلفیق می‌شدند انجام آن ممکن نبود.

اما در مورد قلمرو مادی حیات قابل ذکر است که چون امکان نمایش دادن (دوباره‌سازی و بازآفرینی) و تجسم عینی شکل افراطی و ناپسند وجه فیزیولوژیکی زندگی یا تمرکز بر حیات حیوانی (آن‌گونه که در عالم اتفاق می‌افتد) از نظر اخلاقی ممکن نیست، در اکثریت غریب به اتفاق موارد، برای فضا‌سازی مناسب، از نشانه‌ها و همین‌طور از اندازهای الهی استفاده شده است. برای نمونه این فضا که به صورت نواری امکان حرکت را برای ناظر فراهم و مشخص می‌کند متشکل از فضاهای خردی خواهد بود که پی در پی به دنبال هم می‌آیند و هر کدام ناظر را به وجهی از زندگی مادی دعوت می‌کنند. باید توجه کرد که اگر بسیاری اعمال مباح^(۶) نیز در این قلمرو مطرح می‌شوند دلیل ناپسند بودن و یا لزوم ترک آنها نیست، بلکه سخن در این است که تمرکز بر آنها و خروج از حد تعادل یا ارضای آنها از راه حرام است که مشکل‌آفرین خواهد بود، و تمرکز بر آنها به عنوان نماد غفلت از معنویت و تمرکز بر مادی‌ت انتخاب شده است.

ناظری که بازدید از این قلمرو را انتخاب می‌کند پس از خروج از ساختمان ورودی و ورود به یکی از هشتی‌های طرفین به سمت قلمرو بیرونی و فضای زندگی جسمانی حرکت می‌کند^(۷). ویژگی‌های عمومی فرم‌ها و اشکال این قلمرو، عموماً از الگوهای غیربومی که مهیج و محرک مشتهیات مادی‌اند، انتخاب خواهند شد که البته باید سعی بر آن باشد که باعث بروز و ظهور گناه و ظاهر شدن پلشتی‌ها و زشتی‌ها نشود. فعالیت‌های مادی و فیزیولوژیک زندگی همچون خوردن، نوشیدن، انواع بازی‌ها، انواع سرگرمی‌ها، انواع جایگاه‌های استراحت و ماندن، انواع فعالیت‌های مصرفی مسرفانه و مولد زباله، و فعالیت‌های غفلت‌آور با صبغه قویتر مادی و دنیایی در این قلمرو به تناوب و تناسب متمرکز خواهد بود. توصیه می‌شود که در انتهای مسیر همین قلمرو نتایج مترتب بر آنها و از جمله تلنبار شدن زباله و تخریب‌های محیطی به نحو مناسبی به بازدیدکنندگان نشان داده شود. بارزترین نتیجه تمرکز بر زندگی دنیوی غفلت است که جلوه‌های نمادین آن را در "ماندن" و "فراموشی حرکت" و "از یاد بردن هدف" و از طریق

درون فضا و در هر نقطه‌ای از آن که قرار گیرد، اولاً وجود این تمایز را احساس کرده و ثانیاً بتواند جهت قبله را به عنوان مهمترین جهت در جهان دریابد. در واقع چرخش ساختمان مسجد، نسبت به محور اصلی باغ، یادآور اهمیت قبله در اسلام است. به این ترتیب، محور اصلی "باغ هستی" باید با قبله زاویه‌ای ۴۵ درجه داشته باشد. علت انتخاب و تعیین زاویه ۴۵ درجه، آن است که قصد این بوده است تا با انتخاب زاویه‌ای برای قبله (نسبت به محور اصلی باغ) بر القای جهت قبله به عنوان یگانه جهت مادی مقدس برای مسلمانان تأکید شود. در مورد علت انتخاب زاویه ۴۵ نیز باید گفت که زوایای حاد معمولاً زوایای مناسبی نیستند و فضاهای مطلوبی را به دست نمی‌دهند. به این ترتیب انتخاب زاویه ۴۵ درجه این امکان را به طراح می‌دهد تا با استفاده از آن ضمن ایجاد فضاهای مطلوب، با الهام از هندسه کلی باغ‌های ایرانی بتواند هندسه منظمی را برای باغ پیشنهاد کند، و فراتر از آن امکان القای جهت قبله به عنوان مهمترین "جهت" در عالم را داشته باشد.

- از دو رأس دیگر مسجد نیز عمود بر محور اصلی (و ۴۵ درجه با محور مسجد) محوری است که به طرفین باغ می‌رسد.

- شکل عمومی مسجد متشکل از دو مکعب متداخل است که مکعب بیرونی توپر (ساختمان) و مکعب درونی توخالی (صحن) هستند. یعنی مرکز مسجد که مرکز باغ نیز هست، کاملاً "تهی" و نمادی از تنزیه الهی است و البته مرکز این مرکز را می‌توان به آن‌نمایی اختصاص دارد که نمادی از حیات و علم و تدبیر الهی است (هود: ۷)^(۱۰). برای توضیح علت انتخاب این فرم نیز چنانچه در مطالعاتی دیگر به طور مشروح توضیح داده شده است، احتراز از تجسّد و نماش خداوند یکی از بارزترین ویژگی‌های هنر اسلامی و مصنوعات مسلمانان بوده است، که در جهت پاسخگویی به همین اصل، اولاً از پدید آوردن عناصری که بخواهند خود را مطرح کنند خودداری شده، و ثانیاً از سطوح و احجام تهی نیز به شیوه‌های گوناگون استفاده شده است که نمونه آن را در فضای خالی کعبه، در شبستان‌های مساجد و در سطوح سپید یا ساده بسیاری از عناصر معماری و فضاهای شهری می‌توان مشاهده کرد. نمونه دیگر آن، بر عکس میادین غربی، تهی بودن میانه میدان‌ها و صحن‌ها و فضاهای شهری بوده است، که البته وجود آب، به دلیل ویژگی‌های معنوی آن مستثنی است^(۱۱).

- با رسم خطوط و محورهای حرکتی (مطابق نمودار ۴) چهارده مربع حاصل می‌شود که هر کدام نمادی از یک معصوم است. کل مجموعه مربعی است که در بر گیرنده سیزده مربع دیگر است که نمادی از رابطه نسبی آنها با مربع اصلی می‌باشد. این فضا را که در واقع همان "قلمرو میانی" است به نام مبارک پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) فضای "رحمت" می‌نامیم. مربع ورودی به مصداق "أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَى بَابِهَا" نشانه مولی‌الموحدین

انواع سرگرمی‌ها می‌توان نشان داد. یکی از بهترین روش‌های متذکر این اصل شدن، فراهم بودن امکانات فراوان نشستن و استراحت و بیتوته و محل‌های تماشاست.

علاوه بر فراهم آوردن زمینه بازی و سرگرمی و تفریح که جملگی (با وجود ضرورتی که در حد معقول برای تداوم حیات دارند)، در صورتی که به عنوان مرکز توجه و هدف اصلی برگزیده شوند عامل و زمینه غفلت و از راه بازماندن خواهند بود، می‌توان از نوعی هندسه و طرح‌های گیج‌کننده و گمراه‌کننده نیز در طراحی این قلمرو بهره گرفت. خلاصه این که تمرکز اصلی همه فعالیت‌ها و عملکردها و خدمات این قلمرو بر ساحت فیزیولوژیکی انسان و رفع نیازهای این ساحت از زندگی متمرکز خواهد بود.

قلمرو درونی (نماد زندگی معنوی)

فضای درونی که نمادی از ساحت معنوی حیات است جلوه‌ای از مفاهیم معنوی و بری از مظاهر مادی زندگی خواهد بود^(۸). علاوه بر آن اصولی که به عنوان معانی نمادین و موضوعاتی که در مدیریت و کاربری‌های این فضا ذکر خواهد شد مواردی در باره هندسه کلی آن قابل ذکر است که اهم آنها عبارتند از:

- با خروج از ساختمان ورودی باغ، و انتخاب حضور در قلمرو میانی، پس از عبور از یکی از هشتی‌های تقسیم‌کننده، ناظر در ابتدای محور اصلی باغ قرار می‌گیرد که در مرکز این محور مسجد قرار دارد.

- طرح کلی هندسی باغ (مجموعه دو قلمرو) و همچنین طرح کلی قلمرو میانی مربع است.

- مرکز این قلمرو نیز مربعی است که به مسجد اختصاص می‌یابد. مسجد نه تنها مسجد و محل عبادت است که فراتر از همه نماد و پرچم اسلام و محیط اسلامی و یادآور شهدا و علما و اولیا و عرفا و همه مؤمنان و مسلمانان است. البته در جهان امروز رسم است که برای بزرگان و شهدا و سربازان (گمنام) نمادی یا ستونی یا نشانه‌ای به عنوان یادبود بنا می‌کنند. این موضوع در تفکر دینی نیز سابقه دارد، اما تفکر قرآنی می‌آموزد که اصلح است تا به جای "نشانه"، "مسجد" بنا شود^(۹).

- این قلمرو متشکل از خطوط (یا مسیرهای) عمود بر هم است، که حاصل آنها تعدادی مربع است که در داخل مربع اصلی شکل گرفته‌اند.

- تمام خطوط و اشکال دارای زوایای قائمه‌اند که یا با محور اصلی موازی هستند، یا اینکه عمود بر آن بوده و به عبارت ساده طرح هندسی فضای درونی، کاملاً واضح و روشن و فاقد هر گونه پیچیدگی گمراه‌کننده و اغفال‌کننده است.

- فقط، مسجد و متعلقات آن است که با محور اصلی باغ زاویه ۴۵ درجه (جهت قبله) می‌سازد. این تأکید و تمایز از آن جهت است تا هر کس که

در مرکز هر یک از مربع‌ها یا باغ‌های فرعی به تناسب نام آنها برگزیده شوند.

- به منظور نمایش وحدت این فضاها (همان باغ‌های فرعی)، اتخاذ روش‌هایی همچون تداخل برخی گونه‌های گیاهی (بویژه بوته گل محمدی و یاس)، سرپوشیده بودن برخی معابر و مسیرهای حرکتی، حرکت آب، تداخل کف‌سازی‌ها و مانند آن توصیه می‌شود.

- در میانه و کناره مسیرهای حرکت، حضور آب و تمهیداتی برای نمایش حرکت یا ایجاد "سطحی" از آن به کار گرفته می‌شود.

- ساختمان‌ها و بویژه ساختمان مسجد بر آب قرار خواهد داشت.

- به منظور تذکر مداوم این اصل که جهان جای توقف و ماندن و سکون نیست، فضاهای این قلمرو از "باغ هستی" به انحای مختلف، حرکت و رفتن را القا کرده و فاقد هر گونه امکان و مکان تعبیه شده‌ای برای نشستن و بیتوته است. زیرا فضاهای توقف و مکث، که زمینه‌ساز ایستایی و مشوق توقف هستند، می‌توانند به عنوان نشانه ماندن و سبب و نماد غفلت، و هدف پنداشتن دنیا تلقی شوند.

- در این قلمرو، فراهم آوردن امکان غرس نهال یا بوته یا هر نوع همکاری در نگهداری و توسعه باغ (آبیاری، شخم، هرس و مانند آن) بنا به برنامه‌ریزی قبلی برای تعدادی از بازدیدکنندگان، توصیه می‌شود.

- تولید و یا حداقل تخلیه هر گونه زباله در این قلمرو مجاز نیست و به این ترتیب هیچ گونه ظرف زباله‌ای در آن نصب نخواهد شد. خوراکی‌هایی که احتمالاً در این فضا ارائه می‌شوند باید فاقد زباله باشند، یا اینکه زباله‌ها با منشاء آلی باشند، تا براحتی جذب محیط شوند. برخی حیوانات یا باغچه‌ها می‌توانند به عنوان محل جذب و هضم زباله‌ها انتخاب شوند.

- تذکر و آگاهی دادن به بازدیدکنندگان، به عنوان شاخص‌ترین بارزه این قلمرو در تنظیم رابطه عناصر و اجزای آن ایفای نقش می‌کند.

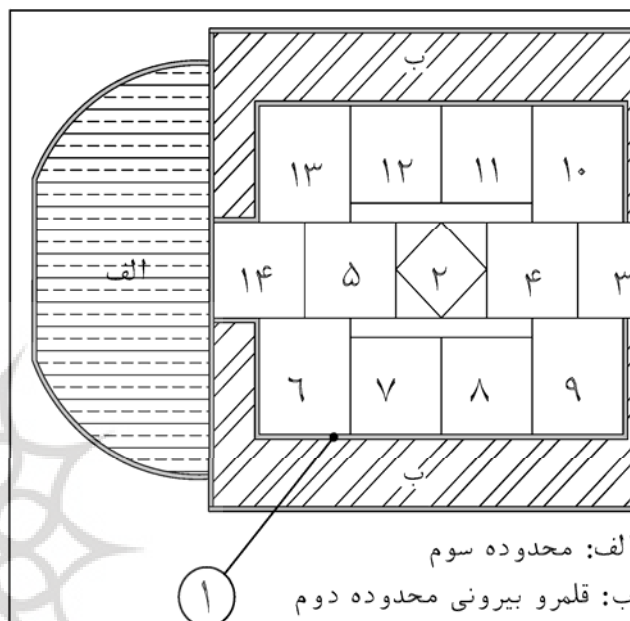
- احتراز از لغو و بیهودگی در قلمرو درونی "باغ هستی"، موضوعی است که در روند حرکت بازدیدکنندگان و همچنین انتخاب عملکردها و فعالیت‌ها باید به جد مد نظر طراحی و برنامه‌ریزان قرار گیرد. در این قلمرو باید غرض معنوی و الهی همه فعالیت‌ها و حتی غذا خوردن و سایر اعمال و فعالیت‌های فیزیولوژیکی به بازدیدکنندگان و حاضران در این قلمرو به راه‌های مختلف و به طور مستقیم و غیرمستقیم تذکر داده شده و در عمل نیز به مورد اجرا گذاشته شود.

- ناظر، پس از عبور از طی اصلی و مرکز باغ (مسجد) یا طی محورهای جانبی و وصل دوباره به انتهای محور باغ، در نهایت به ورودی محدوده سوم (نماد برزخ) می‌رسد.

محدوده سوم "باغ هستی"

این محدوده که مدخل آن در انتهای محور اصلی "باغ هستی" قرار

(ع) است. مربع مرکزی که به مسجد اختصاص یافته از سوی نماد اسلام است از جانب دیگر قلب باغ است و محاط در مربع‌هایی است که به عنوان ائمه معصومین (ع)، هر کدام نام معصومی را بر خود دارند، و به همین دلیل آن را به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها نسبت داده و آن را فضای عصمت می‌نامیم (جدول شماره ۱).



نمودار شماره (۴): تقسیم‌بندی قلمرو درونی محدوده دوم "باغ هستی" به باغهای ۱۴گانه

(برای توضیح ویژگی‌های باغ‌ها به جدول شماره ۱ رجوع کنید)

- به این ترتیب هر یک از این فضاها که به ترتیب و بنا به وجه بارزی از یکی از معصومین (ع) به نامی مبارک مسمی شده‌اند ویژگی‌های کالبدی و بصری خاصی خواهند داشت. (نمودار شماره ۴) نام این فضاها (باغ‌های فرعی)، در امتداد اسامی "رحمت" و "عصمت"، عبارتند از: شجاعت، کرامت، شهادت، عبادت، حکمت، معرفت، استقامت، رضایت، سخاوت، هدایت، فضیلت و ولایت.

- علاوه بر مسجد که به عنوان مرکز باغ و قلمرو عصمت و قلب فضای رحمت ایفای نقش می‌کند، هر یک از مربع‌های دوازده‌گانه دیگر نیز واجد مرکزی‌اند که به تناسب نامی که برای آنها برگزیده شده است به فعالیت علمی یا هنری اختصاص یافته‌اند. نکته مهم آن است که این فعالیت‌ها، فقط به عمل و ممارست و مهارت منحصر نشده و قبل از هر چیز، به آگاهی دادن و آموزش و تعلیم آداب هر فعالیتی می‌پردازند. عملکردهایی چون ورزشگاه برای ورزش‌های متناسب، کتابخانه، موسیقی، عکاسی، بنایی، منبت‌کاری، خطاطی و سایر هنرهای ملی می‌توانند به عنوان فضای فعالیت‌های مناسب،

گرفته است، در واقع نمادی از عالم پس از دنیای خاکی یا عالم برزخ است که از طریق معبری باریک و سرپوشیده از قلمروهای اول و دوم (هسته مرکزی) جدا می‌شود. برای بازدید از این محدوده، افراد پس از عبور از قلمروهای اول و دوم (یکی از قلمروهای اول و دوم در هسته مرکزی) گذر از محدوده دوم) باید از این معبر باریک، که فقط برای عبور در نظر گرفته می‌شود، و فضایی برای اندیشه و تفکر و در عین حال حرکت سریع است عبور کنند و به محدوده سوم برسند. نکته مهم در بازآفرینی این محدوده آن است که از اشکال و احجام و فرم‌ها و شیوه‌هایی که ممکن است سیرک‌ها و تونل‌های وحشت‌شهرهای بازی را به ذهن تداعی کنند خودداری شده، و بالعکس استفاده از موضوعات ساده و واضح توصیه می‌شود. برای نمونه معبر ارتباطی می‌تواند با تاریکی و روشنی متوالی مثلاً به فاصله زمانی ۳ تا ۵ ثانیه تداعی‌کننده دنیای دو وجهی پس از مرگ باشد. رنگ بدنه ساختمان‌های این قلمرو که از داخل معبر دیده می‌شود رنگ سبز زیبایی خواهد بود. وادی برزخ که پس از این معبر قرار دارد نیز به مثابه اصل خویش که واجد دو فضا برای سَعدا و اَشقیا خواهد بود، از دو فضای اصلی تشکیل شده است. هر کدام از این فضاها را می‌توان به صورت مجموعه‌ای با یک باغچه مرکزی (مثلاً گودال باغچه) نشان داد، که یکی سرسبز و شاداب و منظم و مرتب و خوشبو و خوش‌منظر، و دیگری فرسوده و خشکی‌زده و درهم‌ریخته و بدمنظر و به شکل خارستان خواهد بود.^(۳۱)

در قسمت انتهایی این محدوده غرفه‌هایی بسیار کوچک در دو طبقه برای استفاده مردان (در طبقه اول) و زنان (در طبقه دوم) تعبیه خواهد شد، که هر غرفه اختصاص به فقط یک نفر خواهد داشت، یا به عبارت بهتر، توسط یک نفر مورد استفاده قرار خواهد گرفت. این غرفه‌ها مکانی برای تفکر، عبادت، نماز، تجربه تنهایی، قرائت قرآن، دعا و ذکر است. همچنین علاوه بر پرداختن به موضوعات و فعالیت‌های فوق می‌توان از روش‌های شنیداری نیز برای استماع قرآن و ادعیه و همه اصوات دلپذیر و روح‌نواز مطابق خواست بازدیدکنندگان، بهره گرفت.

پس از استفاده از غرفه‌های موصوف، هنگام خروج از "باغ هستی" فرامی‌رسد که از طریق دهلیز خروجی انجام خواهد شد.

کاربری‌های قلمروهای مختلف "باغ هستی"

اگرچه در توصیف قلمروها، کاربری‌های اصلی آنها تا حدی که طرح کلی مورد نظر را تبیین کنند توصیف و معرفی شدند، در این مجال علاوه بر آنچه ذکر شد به کاربری‌های مجاز و غیرمجاز هر قلمرو که واجد معنای نمادینی نیز هستند، فهرست‌وار اشاره می‌شود.

- کاربری‌ها و فعالیت‌های مجاز در قلمرو درونی (وجه معنوی دنیا و زندگی انسان) عبارتند از: محل عبادت، آبخوری، محل شست‌وشو و تطهیر، کتابخانه، محل فعالیت‌های آموزش انواع هنرها و علوم ممکن،

غذاخوری‌های فاقد زباله (در حد سِد جوع و رفع نیاز).
- کاربری‌ها و فعالیت‌های غیرمجاز در قلمرو درونی (وجه معنوی دنیا) عبارتند از: مستراح، غذاخوری، سکوه‌های نشستن، اجرای موسیقی مطرب (مشکوک)، ظروف زباله.

- کاربری‌ها و فعالیت‌های مجاز در قلمرو بیرونی (وجه مادی دنیا) عبارتند از: انواع غذاخوری‌ها، محل نمایش‌های سرگرم‌کننده از قبیل آکروبات و چشم‌بندی و بندبازی، و شعبده‌بازی، امکانات انواع بازی‌ها، مکان‌های نشستن و بیتوته.

- کاربری‌ها و فعالیت‌های غیرمجاز در قلمرو بیرونی (وجه مادی دنیا) عبارتند از: مسجد، کتابخانه، مرکز آموزش هنرهای اصیل معنوی.

اصول و مبانی نمادها

برخی فرم‌ها، اشکال، اعداد، عناصر طبیعی و مصالحی که در طرح باغ به کار گرفته شده‌اند در فرهنگ ایرانی واجد معانی معنوی هستند، که با عنایت به شرح نسبتاً مفصل آنها در موضعی دیگر، در این مجال به اشاره اجمالی به برخی از آنها بسنده می‌شود:

مربع: بارزترین ویژگی طبیعت و عناصر آن که طبیعتاً باید در آثار انسانی نیز نمود داشته باشند تنزیه الهی است. چنانچه ابوسعید ابوالخیر گفته است: "نود و نه نام است خدای را در قرآن و در تورات و در انجیل و در زبور، و نام مهین "سبحان" است. چون سبحان بگفتی همه بگفتی، و چون همه بگویی و این نگفته باشی هیچ نگفته باشی. باید کوشید تا "سبحان" بسیار گفته شود. جمله آفرینش سبحان الله می‌گویند، لکن، تواز غفلتی که داری نمی‌شنوی" (ابوسعید ابوالخیر، ۱۳۸۲). در جهت تداعی و نمایش این امر راه‌های متنوعی وجود دارد و ابزاری در دسترس است که یکی از مهمترین آنها که ریشه در تفکر و اعتقادات اسلامی نیز دارد استفاده از فرم مربع است. مربع^(۳۲)، نماد کعبه شریف است که آن نیز خود نماد چهار تجلی توحید الهی یعنی "تسبیح" و "تحمید" و "تهلیل" و "تکبیر" است^(۳۴). عرش و ضراح و بیت‌المعمور که عماراتی در آسمان‌ها (برای طواف کروی‌ان) هستند، و کعبه نماد زمینی آنهاست که برای طواف آدمیان مقرر گشته، همگی بر چهار رکن استوارند و چهارگوشه‌اند. (قمی، ۱۳۷۸، صدوق، ۱۳۶۲ و همو ۱۳۷۱ هـ ق)

راه مستقیم: در تمام باغ فقط یک راه مستقیم (به تناسب صراط مستقیم که مفرد است) به صورت سرتاسری وجود دارد که از ابتدای باغ تا انتهای آن ادامه دارد. این راه که از مدخل "باغ هستی" آغاز می‌شود بدون انحراف، تا مرکز باغ که مسجد است امتداد دارد و فقط مسجد است که در مسیر آن به عنوان یک نقطه عطف ایفای نقش می‌کند، و پس از آن نیز تا محدوده سوم و انتهای باغ ادامه دارد. سایر راه‌های موازی با آن با تغییر مسیرها، یا عناصری که در مسیر آن قرار گرفته و آن را قطع می‌کنند تا انتهای باغ ادامه دارند، و به مثابه سبیل ظاهر می‌شوند^(۳۵).

- گیاه: گیاه نیز همانند آب، عنصر اصلی و لازمه ایجاد هر فضای سبز و هر باغی است. کاشت انواع گیاهان در فضای مختلف "باغ هستی" با ویژگی‌های خاص خود انجام می‌شود. مهمترین نکته مورد نظر استفاده از گیاهانی خاص در فضاهای چهارده گانه قلمرو مرکزی "باغ هستی" هستند که بنا به ویژگی و نام هر فضا، گیاه یا گیاهان خاصی برای آن فضا توصیه می‌شود. قابل ذکر است که بوته‌های "گل محمدی" و "گل یاس" به عنوان عامل وحدت مجموعه به شیوه‌ای مناسب می‌توانند در کل قلمرو مرکزی مورد استفاده قرار گیرند. گیاهان خاصی برای باغ‌های دوازده گانه‌ای که در بخش‌های پیشین معرفی شدند، مطابق جدول ۱ توصیه می‌شوند.

هندسه: حضور و بهره‌گیری از هندسه‌ای خاص و واضح و روشن در قلمرو درونی توصیه می‌شود. در مقابل، هندسه قلمرو بیرونی می‌تواند ترکیبی گیج‌کننده، گنگ و پیچیده از انواع اشکال و روابط هندسی باشد. قلمرو درونی نیز می‌تواند از هندسه و اشکال پیچیده استفاده کند، با این تفاوت که پیچیدگی هندسه قلمرو درونی، در جزئیات آن و به گونه‌ای است که اولاً خدشه‌ای به وحدت مجموعه وارد نمی‌کند، و در ثانی عامل گمراهی بازدیدکنندگان نیز نمی‌شود.

عناصر طبیعی: در "باغ هستی" استفاده از جملگی عناصر طبیعی (لازمه شکل‌گیری یک باغ هستند) با ملحوظ داشتن تمهیداتی امکان‌پذیر است. اهم این عناصر و تمهیدات مورد نظر عبارتند از:

- آب: آب که اصلی‌ترین عامل ایجاد باغ، و یکی از مهمترین و شاخص‌ترین عناصر همه باغ‌ها و انواع فضاهای سبزی است که در اقصی نقاط عالم ایجاد می‌شوند، در "باغ هستی" نیز نقش منحصر به فردی ایفا می‌کند. نکته مهم در به کارگیری آب در محدوده‌های مختلف "باغ هستی" و بخصوص در قلمرو مرکزی آن، استفاده از فرم‌ها و شیوه‌ها و جلوه‌هایی است که بتوانند آرا و مفاهیم و معانی ملهم از فرهنگ ایرانی را بهتر به نمایش بگذارند، و همچنین در تجارب ایرانی مسبوق به سابقه باشند^(۱۶). برای نمونه استفاده از حرکت طبیعی آب (آب جاری)، نمایش سطوح آب هم‌تراز با (یا اندکی بلندتر از) سطح زمین و یا به عبارت بهتر آب‌نماها یا حوض‌های سنتی، حضور آب در "مرکز"ها، و وجود صدای طبیعی حرکت یا ریزش آب در قلمرو درونی توصیه می‌شود. در این قلمرو ایجاد آب‌نماهای مرتفع توصیه نمی‌شود. نماها و آب در قلمرو درونی باید کاملاً پاک و شفاف باشند. آب‌نماهای مرتفع و عمیق و فواره‌های سرگرم‌کننده در قلمرو بیرونی مجاز است.

جدول شماره (۱): برخی ویژگی‌های عمومی تقسیمات داخل قلمرو درونی محدوده دوم "باغ هستی"

شماره قلمرو (باغ فرعی)	نام باغ	ویژگی گیاهان پیشنهادی (نمونه: تصاویر ۴ تا ۹)	فعالیت‌های اصلی پیشنهادی	ویژگی‌های عمومی ساختمان‌ها و عناصر مصنوع
۱	کل قلمرو درونی محدوده دوم مشتمل ب ۱۳ باغ ذیل‌الذکر، با نام "رحمت"	با عناصر و گیاهانی که به مثابه عوامل وحدت‌بخش عمل می‌کنند		
۲	عصمت	گیاهان انبوه و غیرقابل نفوذ، گل یاس	مسجد مرکزی "باغ هستی"	فرم عمومی درونگرا
۳	شجاعت	گیاهان پهن برگ، بلند قامت	موزه شجاعان تاریخ	عناصر منفرد و شاخص
۴	کرامت	درختان سایه‌انداز، با بافت نرم، توت	خدمات رایگان	فرم‌های برونگرا، استفاده از رنگ سبز
۵	شهادت	درختان بلند قامت با خزان سرخ (افرای سرخ، ارغوان معمولی)	موزه شهید، معماری آبی شاخص	بدون ساختمان، عناصر کشیده
۶	عبادت	گیاهان با بافت نرم و شاخه‌های منعطف (انجیر و زیتون بید مجنون)	فضای باز تعریف شده عبادی	بدون ساختمان، حد اقل تزئینات
۷	حکمت	گیاهان با فرم منظم و هرس شده	مرکز علمی، موزه حکما	فرم‌های هندسی درونگرا، نورپردازی ویژه
۸	معرفت	گیاهان با فرم طبیعی و بدون هرس	مرکز هنری، موزه عرفا	سلسله مراتب قوی، فرم‌های انداموار
۹	مقاومت	درختان با فرم ستونی و مرتفع (سروناز)	باغ آزادگان	حد اقل بازشو در بدنه‌ها، هندسه نظامی، تأکید بر جزرها و خطوط عمودی
۱۰	رضایت	گیاهان با بافت شاخص، سپیدار	کتابخانه و نمایشگاه‌های هنری	فرم‌های آرام‌بخش
۱۱	سخاوت	گیاهان مثمر	خدمات عمومی، آموزش هنرها	فرم‌های دعوت‌کننده، برونگرا
۱۲	هدایت	گیاهان شاخص و رفیع	آموزشی و اطلاع‌رسانی، مرکز مشاوره	نمادهای معروف و آشنا، خوانایی فرهنگی
۱۳	فضیلت	گیاهان مناطق گرمسیری	آموزش علم، هنر و عرفان	فرم‌های القاکننده حرکت و عروج
۱۴	ولایت	گیاهان حجیم و مثمر و سایه‌انداز	عناصر مکمل (همه فعالیت‌ها در مقیاس کوچکتر)	فرم‌های ارتباط دهنده و وحدت‌بخش به کلیت باغ، نورپردازی خاص
قلمرو بیرونی محدوده دوم (وجه مادی)		انواع گیاهان تزئینی، وارداتی، غیربومی و گرانتقیمت	انواع فعالیت‌های سرگرم کننده و ارضاننده نیازهای فیزیولوژیک	فرم‌های محرک و مهیج، نورپردازی اغواگر، تقلید و تکرار الگوهای بیگانه و وارداتی

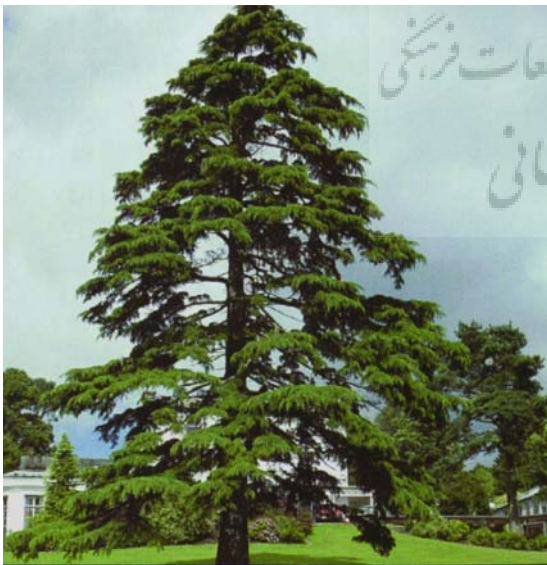
داخل باغ توصیه نمی‌شود.

– کسانی که اطلاعات کذب به مدیریت باغ ارائه کنند یا از مقررات مر بوط به آن تخلف کنند، مطابق مقرراتی که قبلاً به اطلاع بازدیدکنندگان رسیده، جریمه و از ادامه بازدیدهای بعدی محروم خواهند شد.

نتیجه‌گیری

تمام مباحث مطروحه را، که به عنوان ایده‌ای برای ارائه طرحی ایرانی برای طراحی و ایجاد فضایی شهری یا یک باغ در یک شهر ایرانی مطرح شده‌اند، می‌توان به مثابه نتایجی برای مباحثی که مدت‌هاست ذهن محققان را به خود مشغول داشته است، قلمداد کرد. بی‌مناسبت نیست تا به برخی نکات مترتب بر این طرح اشاره شود. اولین نکته، بیان این موضوع است که با تعمق در فرهنگ ایرانی و اصول و ارزش‌های آن می‌توان به ایده‌ها، اصول و معیارهایی برای طراحی فضاهایی دست یافت، که ضمن آنکه واجد هویتی ایرانی هستند، می‌توانند به منظور تقویت اصول و ارزش‌های فرهنگ ملی ایفای نقش کنند. علاوه بر آن توجه به این موضوع ضرورت دارد که هر گونه غفلت از ذخایر و داشته‌های ملی، و به عبارت بهتر غفلت از به‌روز کردن داشته‌های خویش، آنها را راهی موزه‌ها و منابع تاریخی کرده و زمینه رشد الگوهای بیگانه و ظهور الگوهای بی‌هویت و بی‌ریشه در جامعه را فراهم خواهد کرد.

مرنج حافظ و از دلبران وفا مجوی
گناه باغ چه باشد، چو این گیاه نرست



تصویر شماره (۴): سدروس

تداخل قلمروها: به منظور القای وحدت در قلمرو مرکزی باغ هستی، در عین حفظ هویت هر یک از باغ‌های سیزده‌گانه، تداخل این باغ‌ها و اتصال آنها از طریق حرکت آب، گیاهان مشترک، تغییرات تدریجی فرم‌ها و مصالح، هماهنگی عملکردها و کف‌سازی‌ها توصیه می‌شود. این کارها علاوه بر تجلی اصل وحدت، کلیت واحد قلمرو درونی (باغ اصلی قلمرو مرکزی) را به عنوان دربرگیرنده باغ‌های سیزده‌گانه، مورد تأکید قرار می‌دهند.

محل نظاره آسمان: به منظور تکمیل اطلاعات ارائه شده به بازدیدکنندگان، ایجاد مرکز مطالعات سماوی و محل رصد اجرام آسمانی توصیه می‌شود.

نکاتی در باب مدیریت باغ هستی

به دلایل بیشماری همچون ظرفیت محدود باغ هستی (بوژه در محدوده سوم و تا حدودی در قلمرو درونی محدوده دوم) و همچنین وجه نمادین باغ، مدیریت آن از اهمیت بنیادینی برخوردار است که در صورت برخورداری از روندی صحیح و منطقی می‌تواند در افزایش کارایی باغ و القای معانی و ارزش‌های مورد نظر از احداث آن نقشی شایان توجه ایفا کند. برخی مقررات عمومی مورد نظر عبارتند از:

– ابتدایی‌ترین موضوع آن است که کارکنان باغ با سعه صدر کامل، و به کرامت فرزندان آدم (ع) معتقد باشند (اسراء: ۷۰).

– با توجه به اینکه اولاً ورود به دنیا اختیاری نیست و ثانیاً با توجه به ظرفیت محدود باغ هستی، ورود به باغ منوط به کسب مجوز قبلی (از طریق ثبت‌نام و تعیین وقت قبلی) و برای مدتی محدود انجام شود. مکان‌های ثبت‌نام می‌توانند در محوطه پیرامونی باغ، سطح شهر و حتی شهرهای دیگر توزیع شده باشند. به این ترتیب زمان ورود و خروج و مدت اقامت هر کس در باغ مشخص و محدود است. این مدت حضور، می‌تواند به طور تصادفی (یا برنامه‌ریزی شده) هر چند گاه برای افراد مختلف نیز متفاوت باشد. با کسب مجوز ورود به باغ، حضور در هر نقطه قلمروهای دوگانه آن مجاز می‌باشد و تنها برای ورود به محدوده سوم (نماد برزخ) نیز باید همانند ورود به باغ، تعیین وقت شود. تعداد بازدیدکنندگان از این قسمت و بوژه استفاده‌کنندگان از غرفه‌های فکر (به دلیل محدودیت مکان) کمتر از تعداد بازدیدکنندگان از باغ خواهد بود.

– به روش‌های مناسب و متنوعی، مقررات حاکم بر باغ و معیارها و شئونات و ضوابطی که باید از سوی بازدیدکنندگان رعایت شوند، به همراه جریمه‌های احتمالی هر تخلف باید به روشنی به اطلاع بازدیدکنندگان برسد. روش‌هایی چون اهدای مجموعه مقررات به افراد به هنگام ثبت‌نام و همچنین نصب تابلوهای مجموعه قوانین در نقاط مختلف پارک عمومی محصورکننده باغ توصیه می‌شود. نصب تابلوهای تذکردهنده مستقیم در



تصویر شماره (۷): سیب



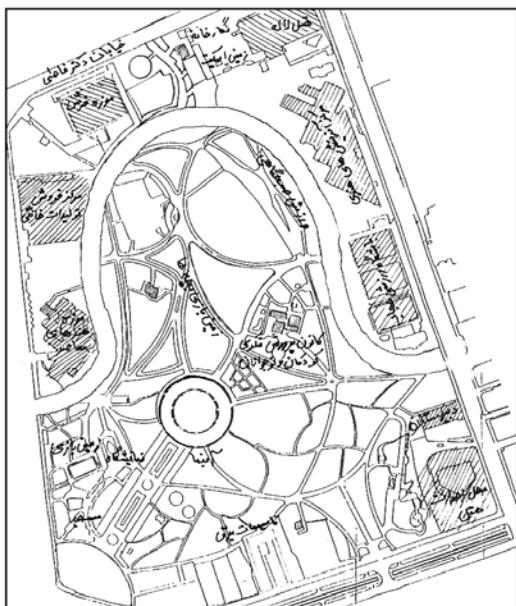
تصویر شماره (۵): سروناز



تصویر شماره (۸): انجیر



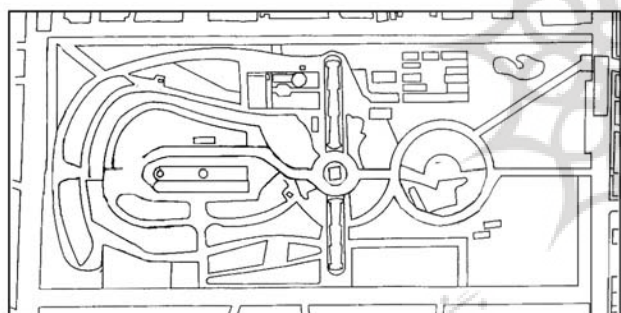
تصویر شماره (۶): افرای سرخ



نقشه شماره (۲): پارک لاله تهران



تصویر شماره (۹): توت

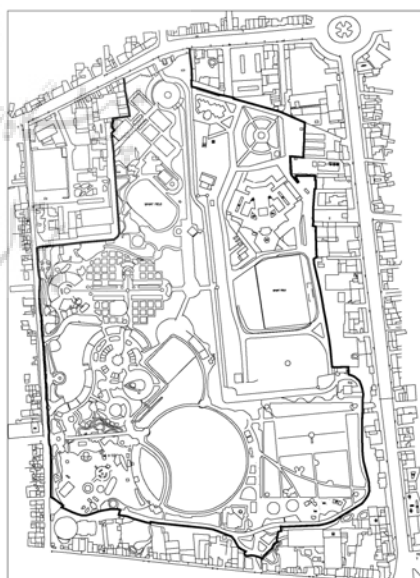


نقشه شماره (۳): پارک شهر تهران

یادداشتها

۱- شایان ذکر است که یکی از مشکلات جوامع معاصر، تکرار و تقلید الگوهای بیگانه و در عین حال تکریم و تعریف از متعلقات و آثار ملی خویش، در قالب آثار تاریخی و موزه ای است. حتی این روش تکریم و تعریف و شیوه های آن نیز از تفکر بیگانه اخذ شده است (نقشه های ۱ و ۲ و ۳ که نمونه های از پارک های متأخر تهران هستند، به باغ های ایرانی که مدام مورد تکریم و تمجید قرار می گیرند شباهتی ندارند).

۲- مراد اصلی از انسان (به طور عام)، تمام فرزندان آدم (ع) و در رابطه با طرح حاضر، مقصود هر فردی است که بخواهد یا بتواند به عنوان بازدیدکننده از "باغ هستی" مطرح یا معرفی شود.



نقشه شماره (۱): پارک جدید الاحداث راز در منطقه ۱۱ تهران

۱۱- برای مطالعه در این مقولات ر.ک: (نقی زاده، ۱۳۸۴ الف، ۱۳۸۴ ب

و ۱۳۸۵)

۱۲- باید توجه کرد که هر چند ایجاد ویژگی‌های نامناسی چون بوی بد و صدای ناهنجار، می‌توانند برای معرفی هر چه غنی‌تر این فضا مؤثر باشند، اما باید از ایجاد آنها احتراز کرد. زیرا این ویژگی‌ها (بو و صدا) براحتی به فضاهای دیگر سرایت نموده و آنها را تحت تأثیر قرار خواهند داد. مگر اینکه بتوان این فضاها را به طور کامل عایق کرد.

۱۳- قابل ذکر است: عمارت کعبه که در ابتدا به فرمان الهی و توسط حضرت آدم (ع) بنا شد، به شکل مربع مستطیل بوده و بعدها نیز توسط حضرت ابراهیم و اسماعیل (ع) بر همان پایه‌ها بنا شد. ولی در زمان قریش و پس از آن در دوران امویان، از طول آن کاسته شد و به صورت مربع فعلی درآمد.

۱۴- *سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ*

۱۵- برای مطالعه در ویژگی‌های صراط و سبیل و وجوه تمایز آنها

ر.ک: در مورد معانی صراط و سبیل و ویژگی‌های آنها در تعالیم اسلام ر.ک:

(طباطبایی، ۱۳۶۳ و ۱۳۵۵)

۱۶- برای مطالعه در باب مفهوم و معنای آب در فرهنگ ایرانی و

شیوه‌های نمایش و استفاده از آن، ر.ک: (امین زاده، ۱۳۸۳)

منابع مورد استفاده

ابوالخیر، [شیخ] ابوسعید. ۱۳۸۲. کلمات شیخ ابوسعید ابوالخیر، در مجموعه مقالات کیمیا. به اهتمام حسین الهی قمشه‌ای و سید احمد بهشتی شیرازی. نشر روزنه، تهران.

امین زاده، بهناز. ۱۳۸۳. جلوه‌هایی از حیات بخشی آب در معماری و شهرسازی مسلمانان. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی انسان و آب. سازمان میراث فرهنگی. تهران.

خوانساری، مهدی و دیگران. ۱۳۸۳. باغ ایرانی، بازتابی از بهشت. دبیرخانه همایش باغهای ایرانی. تهران.

[شیخ] صدوق. ترجمه سید محمدعلی بن سید محمدالحسنی. ۱۳۷۱ ه.ق.

اعتقادات ابن بابویه. تهران.

۳- برای مطالعه در معنای زینت و وجوه تمایز آن با زیبایی، ر.ک:

نقی زاده، ۱۳۸۴ ب

۴- قابل ذکر است که این طرح فقط به عنوان یک ایده مطرح می‌شود، که در هر شهری با توجه به امکانات در دسترس و شرایط اقتصادی و محیطی و فنی و بارزهای فرهنگی، می‌تواند تجلی کالبدی خاص خود را داشته باشد.

۵- دیوار اول (حصار بیرونی) حد فاصل این قلمرو و فضای خارج است که در واقع حصار "باغ هستی" با جهان هستی است. دیوار دوم (حصار درونی) مرز جداکننده این قلمرو با قلمرو درونی (نماد معنوی زندگی) است.

۶- برای نمونه می‌توان از غذاخوری، فضای استراحت، بازی، سرگرمی و به طور عام همه فعالیت‌هایی که امروزه عموماً به عنوان فعالیت‌های گذران اوقات فراغت و تفریح از آنها یاد می‌شود، نام برد که در عین مجاز و مباح بودن، تمرکز بیش از حد بر آنها عامل غفلت از موضوعات و فعالیت‌های معنوی می‌شود.

۷- همین موضوع که، برای این قلمرو دو ورودی در جهات مختلف در نظر گرفته شده است، حاکی از عدم حاکمیت سلسله‌مراتبی متقن بر آن است. در این قلمرو، "مراتب" به معنایی که در ساحت معنوی حیات وجود دارند (بدلیل تمرکز انسان بر مشتهیاتش) موجود نیست، و هر کس خویش را مجاز به انجام هر کاری می‌داند.

۸- تداخل و ارتباط ساحت‌های حیات و حتی جایگزینی شان در قلمروهای یکدیگر امری طبیعی است که با اندکی تسامح از آن صرف‌نظر شده است، تا بتوان فضاهای متمایزی ایجاد کرد.

۹- *فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنْتَحَدِنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا: بعضی می‌گفتند: روی جایگاه آنان ساختمان‌ی کنید، که معرف آنها [اصحاب کهف] باشد، پس از آن، آنان که در امر و عقیده غالب شدند گفتند: ما بر روی جایگاه آنان (سجده‌گاهی) مسجدی می‌سازیم. (کهف: ۲۱)*

۱۰- برای مطالعه در توضیح این مطلب ر.ک: (طباطبایی، ۱۳۶۲.

صص ۴-۲۴۳ و نقی زاده، ۱۳۸۴ الف)

[شیخ] صدوق. ترجمه آیت‌الله کمره‌ای. ۱۳۶۲. مالی صدوق. کتابخانه اسلامیّه. تهران.

طباطبایی، [علامه] سیدمحمدحسین. ۱۳۵۵. تفسیر المیزان. ج ۲۷. محمدی. تهران.

طباطبایی، [علامه] سیدمحمدحسین. ۱۳۶۲. تفسیر المیزان. ج ۱۹. محمدی. تهران.

طباطبایی، [علامه] سیدمحمدحسین. ۱۳۶۳. تفسیر المیزان. ج ۲۴. محمدی. تهران.

قمی، قاضی سعید. ۱۳۷۸. ترجمه سیدعلی عمادی استرآبادی. رموز صورت کعبه، رواق. شماره ۳. تابستان.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۴ الف. جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی. انتشارات واحد علوم و تحقیقات. تهران.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۴ ب. مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی: جلد اول: مبانی و نظام فکری. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران.

نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۵. مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی: جلد دوم: تجلیات عینی. راهیان. اصفهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی